

مبانی نظام دادرسی کیفری از دیدگاه اسلام و حقوق موضوعه ایران

مهدی صاحبی فرد

دانش‌آموخته فقه و حقوق امامیه ورودی ۸۱ و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

علی شیعه علی

دانش‌آموخته فقه و حقوق امامیه ورودی ۸۱ و کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی*

چکیده

از دیرباز سه نوع شیوه و نظام دادرسی در محاکم کیفری، مرسوم و رایج بوده است. سه نظام اتهامی، تفتیشی و مختلط به ترتیب تاریخی، تشکیل و مبنای عمل محاکم کیفری قرار گرفتند. هر یک از نظامهای فوق که متأخر بر دیگری است، برای اصلاح نواقص و ایرادهای نظام ماقبل خود ایجاد شد. در این پژوهش، پس از بررسی هر یک از سه نظام مذکور (و شناخت ویژگیهای هر یک) به بررسی دو نظام دادرسی کیفری اسلام و ایران پرداخته‌ایم. با رجوع به آیات و روایات مربوط به دادرسی کیفری و محاکمه جزایی و همچنین آراء و نظرات فقهای هشت مذهب رایج اسلامی، ویژگیهای اصلی نظام اسلامی را استخراج و با ویژگیهای سه نظام فوق مقایسه نموده‌ایم و در نهایت نیز بیان نموده‌ایم که نظام اسلامی با کدام یک از نظامهای فوق تقارب بیشتر و یا احتمالاً تطابق دارد. همچنین عمل مشابهی را در مورد نظام دادرسی کیفری ایران صورت داده‌ایم و این بار با رجوع به مواد قانونی و نظریات حقوقدانان برجسته به کشف ویژگیهای این نظام پرداخته و در پایان تطابق آن را با یکی از این سه نظام مورد بررسی قرار داده‌ایم. می‌توان چند پرسش اساسی برای این مقاله در نظر گرفت:

۱. نظام دادرسی اتهامی، تفتیشی و مختلط چه ویژگیهایی دارند؟ ۲. ویژگیهای اصلی نظام دادرسی اسلامی و ایران چیست؟ ۳. نظام دادرسی کیفری اسلام و ایران به کدام یک از نظامهای سه‌گانه دادرسی قرابت بیشتری دارد؟

کلیدواژه‌ها: نظام دادرسی اتهامی، نظام دادرسی تفتیشی، نظام دادرسی مختلط، نظام دادرسی اسلامی، نظام دادرسی کیفری ایران، محاکمه

بیان مسئله

جلسه دادرسی، صدور رأی و همچنین اجرای مجازات مرتکب جرم (و یا احتمالاً برائت و آزادی متهم) می‌باشد. هر دولتی برای حفظ نظم و آرامش جامعه خود و همچنین تضمین حسن اجرای قوانین وضع‌شده، اقدام به ایجاد ساختاری هدفمند و در عین حال مناسب حال جامعه خود برای ترتیب رسیدگی به جرایم ارتکاب یافته می‌نماید.

مجموعه اقداماتی که از زمان ارتکاب جرم آغاز و با اجرای مجازات فرد مرتکب پایان می‌یابد، بازه یک نظام دادرسی کیفری را تشکیل می‌دهد. این بازه شامل تعقیب، تحقیق مقدماتی، جمع‌آوری مدارک و مستندات جرم، بازجویی از متهم، تحقیق از اهل خبره، پرسش از مطلعین، برگزاری

نظام اتهامی

از جمله اصطلاحاتی که در این نظام به کار می‌رود از این قرارند:

۱. قسامه؛ (۱) شهادت شهود، اقرار و سوگند، مهم‌ترین ادله اثبات دعوی در نظام اتهامی به‌شمار می‌رفتند.

۲. اوردالی؛ (۲) بر طبق قانون سالیک (۳) در صورتی که متهم نمی‌توانست ادله‌ای از قبیل شهود یا قسامه اقامه کند، سوگند وی به تنهایی کافی نبوده و ناگزیر می‌بایست به آزمونهای سنتی اوردالی (داوری ایزدی) تن می‌داد. اوردالی عبارت بود از دلیلی قضائی که تحت عنوان داوری ایزدی به‌ویژه در قرون وسطی متداول بود.

۳. دوئل؛ (۴) پس از تحریم اوردالی در اروپا از سوی شورای عالی کلیسا در «لاتران (۵)» (۱۲۱۵م)، دوئل یا «پیکار تن‌به‌تن» یا «مبارزه قضائی» به‌عنوان دلیل اثبات جرم متداول شد. این شیوه مطابقت فراوانی با مختصات اروپای قرون وسطی داشت و بسیار مرسوم بود و نحوه انجام آن بدین شکل بود که متهم‌کننده یا متهم مبارزه می‌کرد، ولی متهم نیز می‌توانست با شهودی که به شهادت آنها اعتراض داشت مبارزه کند. به زودی این موضوع شامل متهم‌کننده هم شد؛ (۶) یعنی متهم در پاسخ به اتهام وارده از سوی متهم‌کننده می‌توانست با او به مبارزه برخیزد.

محاکمه در دوره ملوک الطوائفی، علنی و شفاهی بود. در روز تعیین شده، طرفین باید شخصاً در دادگاه حاضر می‌شدند. همه چیز به‌طور شفاهی برگزار می‌شد. سیستم دلایل گذشته نیز تنها کمی تغییر یافته بود: آزمایشها استثنائی شده بود. متهم‌کننده، اصولاً باید بین دلیل به‌وسیله شاهد و یا با وثیقه جنگ (۷) انتخاب می‌کرد. راه دوم شامل یک دوئل بود که طرفین می‌توانستند نماینده تعیین کنند.

بعد از رسیدگی به دلایل، قضات گاهی بعد از مشاوره‌ای طولانی علنی رأی می‌دادند: نماینده ارباب فقط به اخذ آراء و اعلام رأی قناعت می‌کرد. متهم محکوم‌شده حق داشت قضات را به طرفداری متهم کرده و ادعای صدور رأی مجعول و بد کند.

نظام اتهامی از نظر سیاسی با اصول دموکراسی و رژیم مردم‌سالاری، رژیمهایی که شرکت گسترده شهروندان در امور عمومی را تنظیم می‌کنند و آنها که برای فرد و حقوق وی در برابر دولت، محل رفیعی قائل هستند، سازگاری دارد.

نظام تفتیشی

نام دادرسی تفتیشی از تشریفات اولیه که بر تمام جریان

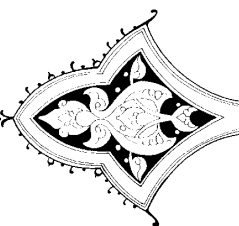


در پژوهش پیش رو به بررسی سه نظام مهم و تأثیرگذار دادرسی کیفری پرداخته‌ایم که عبارت از «نظام دادرسی اتهامی»، «نظام دادرسی تفتیشی» و «نظام دادرسی مختلط» می‌باشند. ترتیب بررسی فوق کاملاً از روی عمد می‌باشد؛ چرا که این سه نظام به همین ترتیب به دنبال هم شکل گرفته و رواج یافته‌اند.

نظامهای دادرسی کیفری

به‌طور کلی به شیوه عمل در رسیدگی به جرم از ارتکاب تا مرحله اجرای مجازات آن می‌گویند که شامل تعقیب، تحقیق، رسیدگی در دادگاه و اجرای مجازات می‌باشد. البته نباید آن را با آئین دادرسی کیفری اشتباه گرفت که نظام دادرسی کیفری اعم از آن است.

نظامهای دادرسی کیفری عبارتند از: نظام اتهامی، نظام تفتیشی و نظام مختلط.



بعدی دادرسی تسلط داشته و در راه حل آن اثر سنگینی دارد، گرفته شده است: آنکت ("inquisitio" "enquete"). (۸)

به عبارت دیگر عنوان تفتیشی از آنجا بر این نوع نظام نهاده شد که مقام تعقیب (که عبارت از قاضی دادگاه یا دادرس مقدماتی یا هر مقام مسئول تعیین شده در قانون است) در صدد تفتیش و بازجویی از متهم، شهود، کارشناسان، شاکی خصوصی و همچنین تحصیل دلایل مثبته جرم برمی آید.

بنابراین از آنجا که تفتیش و بررسی دلایل، مبنا و ویژگی بارز این نوع شیوه دادرسی می باشد، از آن تحت عنوان «تفتیشی» نام برده می شود.

ویژگیها و شرایط نظام تفتیشی از این قرارند:

۱. وجود مقام خاص برای تعقیب ۲. وجود قضات حرفه ای
۳. وحدت قاضی و دادستان ۴. عدم استقلال کامل قضات
۵. کتبی بودن رسیدگی ۶. غیر علنی (سری) بودن رسیدگی (۹)
۷. غیر تدافعی بودن رسیدگی ۸. لزوم احراز دلایل قانونی
۹. امکان رسیدگی به جرم واحد در چند دادگاه (۱۰)
۱۰. وجود مرحله تحقیقات مقدماتی بخش چهارم.

جریان کار و نحوه رسیدگی در این نظام از این قرار است:

۱. به جریان انداختن دعوی عمومی ۲. تحقیقات مقدماتی
۳. تحقیقات قطعی و جلسه محاکمه که خود به سه بخش تحقیقات قطعی، جلسه محاکمه و راه های تجدیدنظر تقسیم می شود.

و اما ادله اثبات دعوی (جرم) عبارتند از:

۱. اقرار متهم؛ اقرار متهم در نظام تفتیشی مهم ترین دلیل اثبات جرم محسوب می شد که در آن شکنجه با دو هدف صورت می گرفت:

الف) شکنجه تمهیدی؛ که هدف آن کسب اقرار از متهم و تکمیل پرونده مقدماتی بود.

ب) شکنجه قبلی؛ که در قبال محکومان به مرگ اعمال می شد و با هدف اجبار محکوم علیه به معرفی معاونان و شرکای احتمالی به دستگاه قضائی، آن هم قبل از اجرای حکم اعدام به عمل می آمد.

۲. شهادت شهود

۳. سایر ادله؛ همان طور که پیش تر بیان داشتیم، در نظام تفتیشی لزوماً باید تنها ادله ای را به عنوان ادله مثبته جرم در نظر گرفت (و آنها را برای اثبات جرم معتبر دانست) که توسط قانون احصاء شده باشند. حال گفتنی است که علاوه بر دو دلیل مهم و نسبتاً فراگیر (در غالب کشورهای

که نظام تفتیشی را در دادرسیهای کیفری خود به خدمت گرفته بودند) اقرار متهم و شهادت شهود، در هر کشوری بنابر مقتضیات و ویژگیهای آن، برخی ادله اثباتی دیگر نیز احصاء قانونی شده بود که بدیهی است تنها در دایره اعتبار قوانین آن کشور مورد اعتنا و اعتبار بودند.

نظام دادرسی مختلط (۱۱)

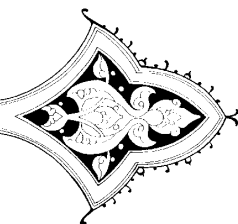
ویژگیهای این نظام از این قرار است: در این نظام، رسیدگی کیفری در دو مرحله متفاوت و به دو شیوه مختلف صورت می گیرد و مقررات حاکم بر آنها نیز با هم تفاوت دارد. در مرحله تحقیقات مقدماتی، با توجه به ضرورت کسب اطلاعات لازم از متهم، حقوق و آزادیهای وی تا حدودی محدود می گردد اما در مرحله رسیدگی، دادرسی، طبق اصول نظام اتهامی و با رعایت کامل حق دفاع صورت می گیرد.

از آغاز پیدایش این دو نوع نظام، در طول تاریخ به دلایل گوناگونی از جمله پیچیده تر شدن مناسبات اجتماعی میان افراد و همچنین شکل جدید جرایم، تحولات چشمگیری (در تمامی کشورهایی که آن را پذیرفته اند) در آن ایجاد شده است. این تحولات بیشتر از همه در مرحله تحقیقات مقدماتی مشاهده می شود.

نظام دادرسی کیفری اسلام

نظام دادرسی کیفری اسلام ویژگیهای مشترکی با نظام اتهامی دارد که عبارتند از:

۱. علنی بودن دادرسی
۲. شفاهی بودن رسیدگی
۳. رعایت تساوی بین اصحاب دعوی
۴. بی طرفی قاضی
۵. تدافعی بودن محاکمه که خود از چهار بخش تشکیل یافته است: الف) عدم تلقین دلیل توسط حاکم به طرفین دعوی ب) عدم جواز تعنه شهود توسط قاضی ج) رأی سایر مذاهب؛ نکته قابل توجه اینکه زیدیه نیز مانند امامیه در حقوق الله اعتقاد بر جواز تلقین (و حتی استحباب آن) و اسقاط حد تا جای امکان دارند؛ البته برخی از فقهای ایشان از جمله یحیی بن حسن البجیج و برخی دیگر از هم عصران وی نظری مخالف دارند و در برخی از حدود الله به ویژه شرب خمر تلقین را جایز نمی شمردند. همچنین در حدود مربوط به حقوق الناس تلقین را جایز نمی دانند. د) علم قاضی و تعارض ظاهری با تدافعی بودن محاکمه.



۶. ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی (برای شروع تعقیب)

ویژگی فوق‌بدین معناست که برای اینکه مقام رسیدگی‌کننده به جرایم که همان قاضی است، اقدام به شروع دادرسی نماید، حتماً باید ضرردیده از جرم که همان شاکی خصوصی است، مبادرت به شکایت نزد قاضی نماید و در غیر این صورت قاضی حتی در صورت علم کامل (از طریق مشاهده) نسبت به جرم نمی‌تواند شخصاً اقدام به آغاز دادرسی علیه متهم نماید.

و اما ویژگیهای مشترک آن با نظام تفتیشی عبارتند از:

۱. وجود قضاات حرفه‌ای

۲. وجود مرحله تحقیقات مقدماتی

۳. لزوم احراز دلایل قانونی

نظام دادرسی کیفری ایران

اکنون که با نظامهای دادرسی کیفری و نظام دادرسی کیفری اسلام آشنا شدیم، به معرفی تفصیلی نظام کیفری ایران خواهیم پرداخت.

تاریخچه آئین دادرسی کیفری ایران

اینکه اولین قوانین مضبوط جاری در محاکم کیفری ایران کدام است و در چه زمانی به وجود آمده، چندان قابل تعیین دقیق نمی‌باشد، اما قطعاً شکی نیست که پیش از اسلام (ورود و فراگیری اسلام به کشور ایران در صدر اسلام) نیز وجود داشته است، از این رو می‌توان دسته‌بندی کلی زیر را از دوره‌های تاریخی تحول آئین دادرسی کیفری در ایران ارائه داد:

۱) دوران پیش از اسلام

همان‌طور که پیش‌تر آمد، زمان دقیق صدور اولین قانون مربوط به آئین دادرسی (چه کیفری و چه مدنی) در ایران به دلیل فاصله بلند تاریخی و از بین رفتن اسناد و شواهد، کاری غیرممکن می‌باشد، اما از آثار و اسناد باقیمانده و سنگ‌وشته‌های کشف‌شده متعلق به دوران پیش از اسلام چنین برمی‌آید که پادشاهان ایران باستان برای دادرسی (به ویژه دادرسی کیفری) اهمیت خاصی

قائل بودند و نهایت تلاش خود را به‌کار می‌گرفتند تا به برقراری و اجرای عدالت در قلمرو حکومتی خود بپردازند. علت این امر نیز آن بود که تأمین عدالت قضائی در کشور برای دوام و استمرار حکومتشان ضرورت داشت (صرف‌نظر از جلب رضایت مردم سرزمینشان و جلوگیری از هرج‌ومرج ناشی از عدم رسیدگی به جرائم و بی‌مجازات گذاشتن آنها).

البته باید یادآوری کرد که معمولاً این عدالت قضائی که باید از طریق برگزاری محاکمات تأمین می‌شد، بر مبنای یک قانون نوشته‌شده ترتیب‌یافته نبود و اغلب در قالب فرمانهای شفاهی و گاه متغیر پادشاه و یا مقامات مربوطه حکومتی بود.

شاید با یک بررسی گذرای تاریخ ایران بتوان چنین نتیجه گرفت که اولین بار کورش - پادشاه نیک‌نهاد هخامنشی - به تشکیل نهادی به نام دادگاه (البته بسیار متفاوت با دادگاه‌های امروزی) دست زد. او با تشکیل پادشاهی گسترده خود در شهر بابل اقدام به تدوین منشور تاریخی خود نمود. با اینکه اغلب، این منشور را تنها منشوری پیرامون حقوق بشر و آزادیهای دینی، قومیتی و فردی تلقی می‌کنند، اما موادی از آن کاملاً مرتبط با بحث ما یعنی رسیدگی به شکایات و تظلمات مردمان ساکن یا تبعه دولت تازه تأسیس هخامنشی بود. (۱۲)

ویژگیهای برجسته دادرسی در آن دوران این چنین است:

۱. شکنجه برای گرفتن اقرار

شکنجه‌هایی از جمله روغن داغ کردن، کور نمودن، چوب زدن، حبس کردن، به زنجیر بستن و ...

اقرار به دست‌آمده از طریق

شکنجه کاملاً معتبر و قابل استناد برای قاضی بود.

۲. عدم وجود اصل قانونی

بودن جرایم و مجازاتها

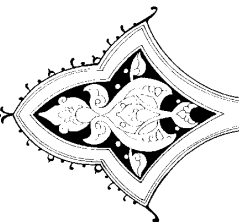
همه چیز به نظر پادشاه و یا وزرای او بسته بود. (۱۳)

۳. عدم وجود اصل برائت

۴. عدم وجود مسئولیت کیفری به معنای امروزی

جرایم عمدی صورت می‌گرفت. (۱۴)

۵. مسئولیت و مجازات جنبه شخصی و انفرادی نداشت



بدین معنا که نه تنها شخص مرتکب، بلکه کسان و اقوام وی نیز معاف از مجازات و تعقیب نبودند. بدیهی است که بدین ترتیب، قصد مجرمانه و عمد و مسئولیت اخلاقی در ارتکاب جرم تأثیر نداشته است. به همین علت گاه حتی دیوانگان هم مورد مجازات قرار می‌گرفتند. (۱۵)

۶. مقدم بودن بازپرسی بر دادرسی

برخی معتقدند که بازپرسی اولاً وجود داشته است (البته نه به شکل امروزی) و ثانیاً مقدم بر دادرسی بوده است. قاضی برای روشن شدن موضوع اتهام می‌توانسته است از طرفین بازجویی به عمل آورد. همچنین بازداشت احتیاطی برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن مرسوم بوده است.

۷. حق دفاع برای متهم

ادعا کرده‌اند متهم حق دفاع داشته و می‌توانسته است برای اثبات بی‌گناهی خود آزادانه به دفاع بپردازد و به هر دلیلی هم که لازم باشد، استناد کند. هرگاه هم جمع‌آوری دلایل و مدارک مربوط به اثبات بی‌گناهی‌اش محتاج به زمان بود، متهم آن را به قاضی رسیدگی‌کننده اعلام می‌کرد و از او مهلت می‌خواست. (۱۶)

۲. دوران اسلامی

از زمان ورود مسلمانان به ایران و به تبع آن، فراگیری اسلام در تمام قلمرو ایران تا زمان تدوین اولین قانون آئین دادرسی کیفری در ایران در سال ۱۳۳۰ق، تنها احکام و دستورات کیفری اسلام در کشور ایران حاکم بود. اما در این زمینه نکته‌ای جلب توجه می‌کند و آن اینکه به دلیل ظاهر اسلامی حکومتها، سران و حکام مجبور بودند برای حفظ ظاهر هم که شده، قوانین اسلامی را ملاک عمل خود در تمامی امور کشور و از جمله دادرسی کیفری قرار دهند و مدام دم از آن زنند اما در عمل گاه خواست خود را مقدم بر آن می‌دانستند. همچنین گاه قواعد عرفی نیز جریان دادرسی و در پایان نوع و میزان مجازات (و اصلاً حکم) را مشخص می‌کرد که گاهی بر خلاف دستورات شریعت اسلام بود.

۳. دوران مشروطیت

عصر مشروطیت، منشأ تحولات مهمی در عرصه دادرسی کیفری ایران بود که مهم‌ترین آنها تدوین اولین قانون مضبوط پیرامون آئین دادرسی کیفری است. از اهداف بزرگ آزادی خواهان در انقلاب مشروطیت، ایجاد عدالت‌خانه و تدوین قوانینی به منظور پایان دادن به بی‌عدالتی و رفع تعدیات و تجاوزات رجال و دولت‌مردان بود. به‌ویژه در عصر ناصری، ایرانیان از یک سو از فقدان قوانین مدون و عدم حاکمیت آن ناراضی بودند و از سوی

دیگر، سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گریهای مستقر در ایران، به استناد همین فقدان قوانین مدون تا آنجا که می‌توانستند از کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی) سوء استفاده می‌کردند. علاوه بر این، سرسپردگان دول خارجی، یعنی ایرانیانی که منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح می‌دادند و در خدمت و تحت فرمان سفارت‌خانه‌های خارجی بودند نیز در صورت لزوم از مصونیت سیاسی - قضائی اتباع خارجی بهره‌مند می‌شدند. (۱۷)

۴. دوران جمهوری اسلامی

در انقلاب کبیر فرانسه، انقلابیون پس از رها کردن نظام تفتیشی حاکم بر آن کشور، چاره‌ای جز توسل موقت به نظام اتهامی موجود در کشور انگلستان نداشتند. در اتحاد جماهیر شوروی نیز با طرد نظام حاکم در دوران تزارها، سخنان لنین درباره ضرورت صدور حکم «بر مبنای وجدان انقلابی قضات»، مستند اتخاذ تصمیمات انقلابی تا تدوین قوانین سوسیالیستی گردید؛ زیرا در ادبیات مارکسیستی، حقوق، امری روبنایی است که فقط پس از ایجاد زیربنای مناسب اقتصادی باید بر مبنای تعلیمات نظریه پردازان مارکسیسم به وجود آید و تدوین شود.

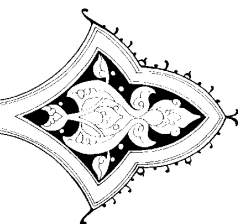
برعکس در کشور ما، همزمان با انقلاب اسلامی، فکر جایگزین کردن مقررات موجود و انطباق قوانین با موازین شرعی، با توجه به منابع غنی فقهی قوت گرفت و اهمیت ویژه‌ای یافت. (۱۸)

در واقع با سقوط رژیم سلطنتی مشروطه سعی شد که کلیه امور قضائی، فرهنگی، سیاسی و غیره بر مدار فقه اسلامی قرار گیرد. به‌ویژه کوشش شد تا قضاء و دادرسی به صورت کاملاً اسلامی درآید.

دگرگونیهای قانون آئین دادرسی کیفری

۱. لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی

نخستین گام در راه اسلامی کردن محاکم کیفری در ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ش برداشته شد. در این سال هنوز قوانین حدود، قصاص، دیات و تعزیرات به تصویب نرسیده بود و بنابراین قانون‌گذار همچنان با متغیر شناختن تقسیم‌بندی جرایم به خلاف، جنحه و جنایت در نظام دادرسی، تغییراتی به وجود آورد؛ از جمله: ایجاد دادگاه‌های عمومی، یک درجه‌ای شدن رسیدگی، نظام تعدد قاضی، اعلام انحلال مراجع قضائی سابق، صلاحیت دادگاه صلح، رسیدگی به جرایم اطفال، حق الوکاله و هزینه دادرسی، جرایم نظامیان، کیفیت رسیدگی در دادگاه‌های عمومی (در دادگاه‌های جنحه و دیوان عالی جنایی).



۲) قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری با وجود امتیازاتی که لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸ش در بر داشت، در اوایل سال ۱۳۶۱ش شورای عالی قضائی برای منطبق کردن قوانین دادرسی با مقررات شرعی و اصلاح قانون آئین دادرسی کیفری، لایحه‌ای مشتمل بر ۳۱۸ ماده را برای تصویب به مجلس ارائه کرد و در نهایت در ششم شهریور ۱۳۶۱ش تصویب شد.

در این قانون تقسیم‌بندی جرایم به جنحه، خلاف و جنایت از بین رفت و «حدود، قصاص، دیات و تعزیرات» جایگزین آن شد. نظام وحدت قاضی بازگشت و برای نخستین بار در حقوق موضوعه ایران مراجعه مستقیم شاکی به دادگاه در همه مسائل کیفری در کنار امکان مراجعه به دادرسی و طرح شکایت پذیرفته شد.

۳) لایحه اصلاح قوانین آئین دادرسی کیفری (مصوب ۶۳/۱۱/۲۵)

۴) قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به آنها (مصوب ۶۸/۳/۳۱)

۵) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور (مصوب ۶۸/۳/۳۱)

به موجب این قانون رسیدگی به جرایمی که کیفرشان اعدام، رجم، صلب، نفی‌بلد به عنوان حد، قطع یا نقص عضو، حبس به مدت ده سال یا بیشتر، جزای نقدی ۲ میلیون ریال به بالا و جریمی که کیفر آن معادل دو پنجم اموال مجرم و بالاتر باشد، در دادگاه کیفری یک به عمل می‌آمد. رسیدگی به بقیه جرایم و امور خلافی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ قرار داشت. همچنین دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ دادرسی عمومی انجام وظیفه می‌کرد.

۶) قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها (مصوب ۷۲/۵/۱۷) که مهم‌ترین ابتکار آن، پیش‌بینی مهلت‌های معین برای ارائه درخواست تجدیدنظر بود.

۷) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب الغای دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و جایگزینی دادگاه‌های عمومی، تعیین صلاحیت دادگاه عمومی با توجه به صلاحیت قاضی و حدود صلاحیت قاضی از طریق رئیس قوه قضائیه، احیای دادگاه‌های استان به منظور تجدیدنظر در احکام دادگاه‌های عمومی، تغییر در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب و تغییر در وظایف دادستان کل کشور (۱۹). اما مهم‌ترین تغییری که به موجب این قانون در ساختار دادرسی و محاکم کشور رخ داد، حذف نهاد «دادرسی» از

نظام قضائی کیفری و تفویض اختیارات دادستان عمومی به رئیس دادگستری شهرستان و استان بود. تعقیب و تحقیق و رسیدگی بر عهده مرجعی واحد، یعنی دادگاه عمومی نهاد شد. این تغییر اساسی شاید مهم‌ترین عیب و ایراد این قانون باشد که سبب اغتشاش در روند دادرسی کیفری و گاه تضییع حقوق شاکی و یا حتی متهم می‌گردید (۲۰) و همین موجب اعتراضات فراوان کارشناسان امور قضائی گردید. ۸) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در

امور کیفری با اجرای قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نارساییها و معایب قانون مذکور که حقوقدانان بارها و حتی قبل از تصویب، متذکر آن شده بودند، آشکار شد.

حذف دادرسی و نامشخص بودن قوانین و مقررات مغایر با قانون فوق‌الذکر، شبهات فراوانی را در عمل ایجاد کرد که تفاسیر مختلف و استعلامات عدیده از اداره حقوقی قوه قضائیه را دربر داشت؛ با این همه فقدان مقررات جامعی که بتواند جایگزین قانون آئین دادرسی سابق گردد و در حقیقت به منزله روش و آئین رسیدگی برای قانون جدیدالتصویب دادگاه‌های عمومی و انقلاب در رسیدگیهای کیفری تلقی شود، هر روز بیشتر احساس می‌شد.

قانون مزبور همراه با اصلاحات بعدی مبنای عمل امروز محاکم کیفری قرار دارد.

۹) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۸۱/۷/۲۸)

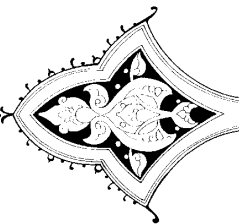
با تصویب این قانون، مجدد نظام مختلط (دادرسی) برقرار گردید. در واقع پیش از آن به موجب قانون سال ۱۳۷۳ش تلاش بر این بود تا حد امکان نظام دادرسی کیفری ایران به نظام اسلامی نزدیک شود و می‌دانیم که نظام اسلامی تا حد فراوانی به نظام اتهامی قرابت دارد؛ از این رو تا پیش از قانون سال ۱۳۸۱ش نظام دادرسی کیفری ایران به جای اینکه حالت مختلط سابق خود را حفظ کند، تا حد زیادی به نظام اتهامی نزدیک شد (۲۱).

بررسی نظام کنونی

۱) مرحله تحقیقات مقدماتی

ابتدا باید روشن گردد که حق تعقیب و به تبع آن، وظیفه تعقیب بر عهده چه شخص یا اشخاصی است؟ همان‌طور که می‌دانیم دعوی (در بحث کیفری) بر دو نوع است: خصوصی و عمومی.

اگر دعوی خصوصی باشد (بدین معنا که شخصی به عنوان



متضرر از جرم وجود داشته باشد و یا به عبارت دیگر شخصی از جرم ارتکاب یافته زیان دیده باشد) تنها با شکایت شاکی خصوصی شروع به تعقیب آن جرم می‌شود اما در دعاوی عمومی اوضاع متفاوت است.

وظیفه اقامه و تعقیب دعوی عمومی در تمام مراحل دادرسی کیفری بر عهده دادرست؛ به عبارت ساده‌تر در محاکمات جزایی، دادرسا نقش مدعی را بازی می‌کند. شاکی خصوصی و برخی از مقامات قضائی - اداری نیز در شروع تعقیب دعوی عمومی مؤثرند که البته نقش آنها

در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و بار مهم این وظیفه سنگین بر عهده دادرست است. دستور دادرسا برای شروع تحقیقات مقدماتی نیز نخستین گام برای تعقیب دعوی عمومی است. (۲۲)

ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری چنین مقرر می‌دارد: «جهات قانونی برای تعقیب دعوی عمومی به قرار زیر است:

۱. شکایت و اعلام مدعی خصوصی

۲. اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود.

۳. جرایم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد.

۴. اظهار و اقرار متهم».

۲) نهاد دادرسا

برای توضیح بیشتر باید ویژگیهای مهم این نهاد را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. سلسله مراتب

الف) دادیاران و قضات تحقیق

بر خلاف قضات دادگاهها که دارای استقلال کاملند، قضات دادرساها در اجرای وظایف قانونی خود، ناگزیر از اطاعت دستورات مقامات مافوق خود هستند که با احیای دادرسا در سال ۱۳۸۱ش، این مقام مافوق، دادستان آن شعبه دادرسا تعیین شد.

ب) بازپرسان

دادرسا در معنای محدود (مقام تعقیب) شامل دادستان و دادیاران است و در معنای وسیع، بازپرسیانی که در حوزه قضائی دادرسا انجام وظیفه می‌کنند را نیز در برمی‌گیرد.

ظاهراً در حقوق ایران، پاسخ صریحی به این پرسش که این سلسله مراتب شامل حال بازپرسان نیز می‌شود یا خیر، وجود ندارد. (۲۳)

۲. استقلال نهاد تعقیب

الف) استقلال نسبت به بازپرسان و قضات تحقیق

ب) استقلال نسبت به دادگاهها

نهاد تعقیب، اعم از دادستان یا

رئیس حوزه قضائی، در مقابل دادگاههای کیفری از استقلال کافی برخوردار است و قضات دادگاهها حق مداخله در وظایف آن را ندارند. (۲۴)

ج) استقلال نسبت به شاکی

بدین شکل که اگر نهاد تعقیب، موضوع شکایت را کیفری تشخیص ندهد، می‌تواند از تعقیب امتناع ورزد و همچنین امتناع شاکی از اعلام شکایت، تأثیری بر تکلیف نهاد تعقیب مبنی بر تحت پیگرد قرار دادن متهم یا انجام تحقیقات لازم درباره بزه ارتکابی ندارد.

د) استقلال نسبت به متهم

در اخذ تأمین مناسب و نیز تشخیص مقتضی بودن تعقیب، رئیس حوزه قضائی و دادستان به نحو آمرانه و با لحاظ منافع جامعه و سیاست جنایی کشور، اتخاذ تصمیم می‌کنند. (۲۵)

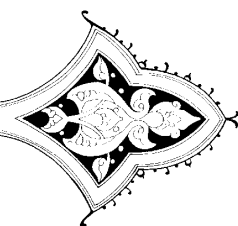
۳. وحدت نهاد تعقیب

قضاتی که در حوزه قضائی یک دادرسا انجام وظیفه می‌کنند، در حکم واحدند و هر کدام که اقدام به تعقیب و تحقیق جرم نمایند، تفاوتی نمی‌کند.

۴. رد قضات دادرسا

قضات و نیز قضات تحقیق در صورت وجود قرابت تا درجه معین یا وجود روابط خاص بین آنان و اصحاب دعوا از سوی ذی‌نفع قابل رد شناخته شده‌اند. (۲۶)

۵. عدم مسئولیت دادرسا



۳) ویژگیهای مرحله تحقیق مقدماتی

۱. کتبی بودن تحقیقات

کتبی بودن تحقیقات که یکی از اصلی‌ترین ویژگیهای نظام دادرسی تفتیشی است، یادگار دوران تفتیش عقاید است.

۲. سرّی بودن تحقیقات مقدماتی

این اصل از مهم‌ترین ویژگیهای نظام تفتیشی است و از دیرباز در قوانین کشورهای مختلف وجود داشته است. به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، با توجه به الزامات بشری تعدیل شده است. (۲۷)

به موجب این اصل، تحقیقات مقدماتی به صورت انفرادی و سرّی و بدون اطلاع طرفین پرونده و وکلای آنان صورت می‌گیرد و هدف آن است که در مرحله تحقیقات، احتمال تبانی متهم با شهود و امحای ادله و آثار جرم از بین برود و متهم، مجال توطئه و مقابله با شیوه قاضی تحقیق در امر تحقیقات را پیدا نکند. این اصل در مورد دادستان، شاکی، متهم و شهود جاری است. البته گفتنی است که سرّی بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به دادستان، امر معقولی نیست. (۲۸)

بند «ه» ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در این مورد مقرر دارد: «دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد ولو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند...».

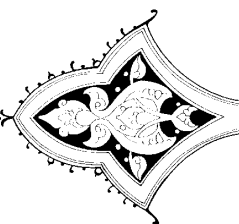
سرّی بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به شاکی نیز مقید به عدم منافات آگاهی وی با محرمانه بودن تحقیقات است. در ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در این خصوص چنین آمده است: «شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد.».

تحقیقات مقدماتی نسبت به شاهدان و مطلعین نیز سرّی محسوب می‌شود. ماده ۱۵۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در این مورد مقرر می‌دارد: «قاضی از هر یک از شهود و مطلعین، جداگانه و بدون حضور متهم، تحقیق می‌نماید و اظهاراتشان را نوشته و به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت بلامانع است.».

این تحقیقات همچنین نسبت به وکیل متهم، سرّی محسوب می‌شود. (۲۹)

۳. غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی

این ویژگی را نباید با سرّی بودن یکسان تلقی نمود و باید ویژگیها و آثار آن را متفاوت در نظر گرفت. منظور از علنی نبودن تحقیقات این است که اصحاب دعوی کیفری، شهود، کارشناسان و در مجموع افرادی که قاضی تحقیق حضور آنان را برای انجام یا تکمیل تحقیقات لازم می‌داند و همچنین سایر افراد از جمله ارباب مطبوعات و رسانه‌های



گروهی حق حضور در جلسات بازپرسی را ندارند. (۳۰)

۴) ویژگیهای مرحله دادرسی (محاكمه)

۱) علنی بودن محاکمات

علنی بودن محاکمات یکی از راه‌های مهم تضمین امنیت قضائی است؛ زیرا قاضی همواره قضاوت و تصمیم خود را در معرض افکار عمومی می‌بیند. این اصل به دلیل اهمیتی که دارد، یکی از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. (۳۱) اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران بیان می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظام عمومی باشد یا در دعوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

۲) تدافعی بودن محاکمات

مواد نسبتاً زیادی در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دلالت بر این ویژگی دارند؛ از جمله: «در مواردی که تحقیقات، تکمیل و برای انجام محاکمه، وقت تعیین شده باشد، متهم یا وکیل او حق دارند پیش از شروع محاکمه، به دفتر مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کنند». (۳۲)

این ویژگی خود از چند بخش تشکیل یافته است:

الف) تفهیم اتهام

مسئله تفهیم اتهام که باید مقدم بر آغاز بازپرسی از متهم (چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در آغاز جلسه محاکمه) صورت پذیرد، به نوبه خود در ارتباط با حق دفاع متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت تفهیم اتهام به متهم تأکید ورزیده است و این حکایت از آن دارد که قانون‌گذار توجه خاصی به حمایت از متهم داشته است. با این همه، اصل سی و دوم قانون اساسی این تضمین را منحصر به متهمین بازداشت شده نموده است: «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود».

همچنین در سایر مواردی که متهم به دعوت مراجع قضایی نزد مقامات مذکور حضور می‌یابد (از جمله جلسه محاکمه) نیز باید به وضوح و با ذکر دلایل از اتهام یا اتهامات موجود علیه خود مطلع گردد و از این حیث نباید تفاوتی بین متهم بازداشتی و سایرین وجود داشته باشد. (۳۳)

ب) حق داشتن وکیل

همین که حق داشتن وکیل برای متهم در دادگاه در نظر

گرفته شده است، خود دلالت بر قائل شدن حق دفاع بهتر در دادگاه در برابر اتهامات و دلایل وارده دال بر آن است. قانون‌گذار در مواد فراوانی از قانون آئین دادرسی کیفری و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این حق تأکید دارد؛ از جمله: «هر گاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و وکیل هم نفرستد...». (۳۴) «در کلیه امور جزایی، طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند...». (۳۵) «متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین نماید...». (۳۶)

ج) اصل برائت

پذیرش این اصل در حقوق کیفری ایران (که ریشه در قواعد اسلامی و حقوق عرفی دارد) موجبات ایجاد آثاری گردیده است که اغلب آنها از نشانه‌های تدافعی بودن جریان محاکمه هستند؛ از جمله:

۱. تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل علیه متهم.

۲. ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود.

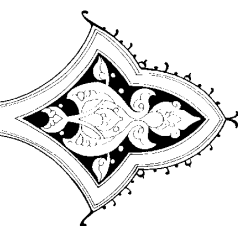
۳. ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود (پذیرش دلیل).

مشاهده می‌شود که اصلاً نحوه جریان محاکمه را همین اصل برائت تعیین می‌کند و در حالت عادی، متهم بی‌گناه تلقی می‌گردد و این وظیفه شساک و یا مقام تعقیب (دادسرا و به نمایندگی از آن، دادستان) است که با ارائه دلیل در صدد اثبات جرم او برآید. همچنین همین اصل، به متهم این اجازه را می‌دهد تا در برابر اظهارات و ادله طرف مقابل به دفاع از خود و ارائه دلیل بر بی‌گناهی خود مبادرت ورزد و این چیزی جز تدافعی بودن محاکمه نیست.

۳) اقتناع وجدان قاضی

با پذیرش اصل برائت، نظام «اقتناع وجدان قاضی» یا «دلایل معنوی» به تدریج جایگزین نظام ادله قانونی شد. این نظام، نخست در فرانسه و سپس در آلمان، ایتالیا و بلژیک مورد قبول واقع شد و از آنجا به نظام حقوق کشورهای که تحت تأثیر حقوق فرانسه قرار گرفته بودند (از جمله ایران) تسری یافت. در اقتناع وجدان قاضی، دلایل، همگی طریقت دارند نه موضوعیت: هر دلیلی ارزشی برابر با سایر ادله می‌تواند داشته باشد و بنابراین شهادت، ارزشی افزون بر کارشناسی یا دلیل کتبی الزاماً رجحانی بر دلیل شفاهی ندارد و حتی ممکن است دلیل شفاهی بر کتبی ترجیح داده شود. در این نظام، اقرار، ملکه دلایل تلقی نمی‌شود.

دیوان عالی کشور ایران در یکی از آرای قدیمی خود به



این امر تصریح کرده است: «در امور جزایی اعتراف متهم، طریقت دارد و اگر دادگاه با ملاحظه قرائن و امارات دیگر اقرار متهم را از دلایل خارج نماید، موجب شکستن حکم نمی‌باشد».

۴) شفاهی بودن رسیدگی

شفاهی بودن رسیدگی در اینجا بدین معناست که ابتدا تمامی اتفاقات رخ داده در جلسه محاکمه اعم از اظهارات شاکی، مقام تعقیب، شهود، وکلای مدافع، اهل خبره و... شفاهی طرح می‌گردد. البته برخی از موارد مهم آن (مانند اظهارات شهود) در پایان جلسه دادرسی در صورت جلسه‌ای تنظیم و به امضای طرفین می‌رسد. اما نکته مهم، همان ابتدای طرح بیانات و ادله طرفین است که به صورت شفاهی طرح می‌گردد و طبق آنچه گفتیم بسیاری از آنها نیز به کتابت در نمی‌آید. در واقع به بیان دیگر می‌توان گفت که جلسه محاکمه در نظام دادرسی کیفری ایران حداقل میان شفاهی و کتبی است و اما قرابت بسیار بیشتری به شفاهی بودن دارد و مسامحتاً می‌توان آن را به نوعی شفاهی در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله قصد بر این بود که نوع نظام دادرسی کیفری ایران بیان شود. برای این کار، رسیدگی کیفری در این نظام را به دو بخش تقسیم نمودیم:

۱. مرحله تحقیقات مقدماتی

۲. مرحله دادرسی و محاکمه در جلسه دادگاه

سپس به بیان ویژگیهای هر یک از مراحل فوق پرداخته و در پایان هر یک، نوع آن را روشن ساخته که مرحله اول را بسیار نزدیک به نظام دادرسی تفتیشی و مرحله دوم را بسیار نزدیک به نظام دادرسی اتهامی مشاهده نمودیم.

سخن فوق بدین معناست که نظام دادرسی کیفری ایران به طور کلی مختلط است؛ چرا که مهم‌ترین ویژگیهای این نظام را در خود دارد که عبارت بودند از:

۱. دو مرحله‌ای بودن رسیدگی کیفری

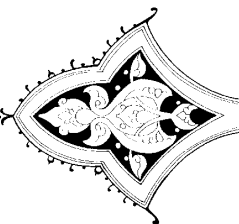
۲. تفاوت شیوه رسیدگی در این دو مرحله؛ بدین شکل که در مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق و آزادیهای متهم با توجه به ضرورت کسب اطلاعات لازم از وی تا حدودی محدود می‌گردد و اما در مرحله رسیدگی در دادگاه، دادرسی طبق اصول نظام اتهامی و با رعایت کامل حق دفاع صورت می‌گیرد.

نظام دادرسی کیفری ایران هر دو مورد فوق را در خود دارد، پس نوعی نظام مختلط در نظر گرفته می‌شود.

مختلط بودن نظام ایران البته به دلیل تأثیرپذیری فراوانش از حقوق کشور فرانسه است که به نوعی مبدع نظام دادرسی مختلط است و بنابراین، مختلط بودن آن امری طبیعی به نظر می‌رسد. البته پس از انقلاب اسلامی ایران، قواعد شریعت اسلام بیشتر بر نظام کیفری ایران تأثیر گذاشت.

پی‌نوشتها

۱. آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۳۰.
2. Ordalie.
3. Salique.
4. Duel Judiciaire.
5. Latran.
۶. استنفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، ص ۶۱.
7. Par gage de bataille
8. Inquisitoire
۹. لارگیه، ژان، آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، ص ۲۷.
۱۰. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۸.
11. La procedure mixte.
۱۲. گزنفسون، کورش بزرگ: هنر رهبری و جنگ، ترجمه علی شیععه‌علی، تهران: سبزان، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۵.
۱۳. همان، ج ۱، صص ۵۴-۵۶.
۱۴. محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ ش، ص ۶.
۱۵. همان، صص ۷-۸.
۱۶. آخوندی، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۵۶-۵۸.
۱۷. آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.
۱۸. همان، ج ۱، ص ۷۴.
۱۹. همان، ج ۱، ص ۸۲.
۲۰. سوادکوهی، سام، «دادسرا در نظام دادرسی کیفری»، ماهنامه دادرسی، شماره ۴۰.



۲۱. نبی پور، محمد، «نقدی بر قانون دادرسی»، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۰.
۲۲. آخوندی، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۱۶۰.
۲۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۵.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۸.
۲۵. خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۹.
۲۶. مواد ۴۶ تا ۵۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
۲۷. آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، ص ۲۸.
۲۸. اصول آئین دادرسی کیفری ایران، ص ۱۵۳.
۲۹. همان.
۳۰. آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، ص ۲۶.
۳۱. اصول آئین دادرسی کیفری ایران، ص ۲۳۷.
۳۲. ماده ۱۹۰.
۳۳. عدالت کیفری، ص ۱۵۲.
۳۴. ماده ۱۸۱.
۳۵. ماده ۱۸۵.
۳۶. ماده ۱۸۶.
- * از آقایان محمود اسفندیاری و لقمان شریفانی که در تلخیص این مقاله کمال همکاری را نمودند قدردانی به عمل می‌آوریم.

منابع و مأخذ

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۰ش.
۲. آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ش.
۳. آشوری، محمد، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۴. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۵. امین، سید حسن، دادرسی و نظام قضائی در ایران، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۶. خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۷. زراعت، عباس، اصول آئین دادرسی کیفری ایران، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۸. گزنفون، کورش بزرگ: هنر رهبری و جنگ، ترجمه علی شیعه‌علی، تهران، سبزان، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۹. لاریگه، ژان، آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۱۰. محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۱. سوادکوهی، سام، «دادسرا در نظام دادرسی کیفری»، ماهنامه دادرسی، شماره ۴۰.
۱۲. نبی پور، محمد، «نقدی بر قانون دادرسی»، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۰.
۱۳. ابوالحسن عبدالله بن مفتاح، شرح الأزهار، صعه، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

